

ملت است ورنه سابق بر این به قدرت مجلس سری در پارلمان منعقد می شد

در خصوص فیصله امتیازنامه بانک آلمان که زاید الوصف اهمیت دارد در مجلس سری فعلا تصدیق نتوانیم نمود، که در مجلس سری بوضع سرپوشیده فیصل شده باشد، چه این مسئله از مسائل بزرگ است و اندک خطای در مواد آن نروت يك بملکت را بر باد میدهد، هرگز گمان نداریم این امر باین بزرگی سرسری گذشته و وکلای ملت رضا داده باشند که بیک مجلس سری این گروه مطالب مهمه فیصل یابد، و حال آنکه تا جایکه ما مطلع هستیم در عموم مجالس سری تمام وکلا را شرکت نداده با شرکت نکرده اند از آنطرف هم هتقی زبان باز تردست از جانب وزرا شامل شده بهر قسم که میل شان بوده امر را پیش برده اند اینگونه امتیاز در پارلمانهای دیگر محض اهمیتی که باو میدهند و کمال دقی را که در او لازم میدانند مدتها طول میکشد معلوم نیست کدام توپ کروپ عقب ما بود که باید در يك مجلس سری چنین سر بزرگی را فیصل نمایم (گویم بدوگر نگویم بدتر)

خوب است قدری در معنی مجلس سری بحث نمایم اصول مجلس سری را که در پارلمانها مقرر داشته اند برای مطابقی است که افتسای آن مرتب بر ضرر عظیم گردد، و حال آنکه مجالس سری که در پارلمان ما تا کنون شده برعکس بوده یعنی چون معنی بر ضرر ملک و ملت بوده ازین روافشا نداشته اند، این را هم باید دانست که مجالس سری در پارلمانهای دول گاهی می شود ولی وزرا و اعضای شورا در راه ملک و ملت و دولت خود بقدای مال و جان حاضرند، و انتخاب وزرا و اعضای شوری از روی عقل و درایت و استحقاق و استعداد و قابلیت شده و تصور چشم پوشی در منافع ملیه در حق هیچ يك از آنها نمی شود برعکس امروزه ایران که هنوز نمیتوان اطمینان حاصل نمود که وزرا با خیالات مات همراه اند یا نه؟ و انتخاب وکلا هم غالب موضوع اختلاف است که طبقه را عنیده این است که بسیاری برخلاف قانون و استحقاق انتخاب گردیده اند ظاهراست شوری ملی راجع بملت است و این گروه مجالس سری با وضع امروزه مورد عدم اطمینان ملت

در خارج موضوع بحث قرار داده تنقیح نمایند، درین صورت چهار نفر بیکه دو نفر از دانایان مجلس که بیکطرف شوند چون در بین حاضرین مجلس غلبه عقلی دارند، و هر پهلوی مسئله ظاهر نشده و زشت و زیبایش هم معلوم ننگردیده عقول دیگرانرا بیچانده امر را فیصل میدهند، بر عکس مسائلیکه در مجلس عالی موضوع بحث شود بهمان اصولیکه ذکرش سبقت یافت برسی وکلای دانشمندتر دست نمیتوانند بچیل خود مسئله را فیصل دهند چه در میان ملت اعتدل بر آنها بسیار است که در آن مسئله بحث نماید

بیشتر علت این که قرار داده شده هر مسئله را سه نوبت با فاصله معین در پارلمانها قرائت نمایند همین است که موضوع بحث قاطبه دانشمندان ملت واقع شده تا تنقیح و گوش زد جمیع افراد شود، و هر کس هر رأی دارد بذریعه اخبارات ارائه رأی خود نماید اگر مقصود بحث در خارج پارلمان نبود لازم نمی شد بین هر قرائت اینقدر فاصله قرار دهند، این است وضع پارلمنت های سایر دول بر سبیل اختصار، رنگین تر از همه این است که رئیس هیج مجلس شوری چون حاکم و حکم است و وظیفه او نظارت بر اجرای قوانین و انتظام مجلس است بالاصاله رأی پیش نمی تواند نمود بر عکس شورای ایران که رئیس هم ناطق است و هم حاکم و حکم (خود کوزه و خود کوزه گرو خود کل کوزه) ولی بوظائف خود که اجرای قوانین داخله و نظارت بر آنهاست توجه ندارد به قوانین داخله پارلمان را جاری میدارند و نه باطل میکنند و توقع هم گویا دارند که هر قانونی ازین مجلس بیرون آمد بجزی شود و حال آنکه مقننین بیشتر باید پاسی بند قوانین خود باشند نسبت بدیگران این ها حمل بر بی علمی و بی تجربه می رئیس می شود)

### حبل المتین

ما با جمیع نگارشات همعصر خود همراهی نیستیم جناب صنایع الدوله همان قسم است که بدوا تصور شده مردم ظالم است و هم واقف با اصول بالمنتزی، نهایت اینکه مهمان تازه رسیده ایران محض پیشرفت مقاصد کونی خود مجالس سری را سوقات آورده، چندان لازم به بیان نیست که فریب چند فر آسان تر از فریب يك

تواند گردید، خیلی باید ترسید از آن وقتی که ملت را از این مجلس و وکلا اطمینان مرتفع گردد در خصوص مجلس سبری پارلمان ایران یکی از دانایان ایران چنین می نویسد -

عقیده یکی از دانایان -  
(چنان تصور فرمائید که مجلس سبری پارلمان ما مبنی بر اضرائیکه پارلمنتهای ملل متقدمه در مجلس سبری جارید میباشد، این عمل را هیئت وزرای حالیه بدین اراده قوت داده اند که بسر پیچی وکلا کاملاً مقدر شوند، و قسمی در امان وکلا جای داده اند که عاقل و قابل و با سیاست و نکته سنج و پلٹیک دان این ملت منحصر بشما منتخبین است و بس، غیر از شما تمام افراد ملت جاهل و قابل ادراک هیچ نکته از نکات مهمه نمی باشند، همین قدر که شما دانستید و تصدیق کردید کافی است، لازم نیست سایر افراد جاهل ملت که ملتقت هیچ نیستند ملتقت شوند و باعث درد سر ما و شما گردند

میدانید این امر طبیعی است همینکه در مذمت نوع سامع را خارج نمودی، با اصطلاح ایرانیها دور از حجاب گفتی خواه مخواه یا تصدیق خواهد نمود یا سکوت اختیار خواهد کرد، خصوصاً اگر گوینده بزرگتر از خودمان باشد لازم نیست بیان نمایم که ما ایرانیان سرده تعریف و کشته نملقات حضوری هستیم

باین وسیله وزرای حالیه سعی اند که وکلای محترم ملی طارثتربیک فرعونیت خود ساخته باین سخنان واهی و این کلمات دل خوشکن آنان را پیش نفس خود آسانی و سایر افراد ملت را زمنی حلوه داده تا خودشان را مانند دولتبان سرشتی ما فوق طبیعت این ملت تصور نمایند، سابق چندین هزار نفر دولتبان بدین صورت خود را حلوه میدادند حالاسعی اند این صد نفر وکلا را هم بر عده خود بیفزایند، از آن می ترسم که اگر چندی بدین منوال گذرد وکلای محترم نیز بیه و جاه خود را کم کرده بگویند این ملت جاهل است، نفع و ضرر خود را نمی فهمد، این ملت صغیر است قیم شرعی لازم دارد، قیم آنها در درجه اول ما، و در درجه ثانی دولتبان باید باشند

هیئت وزرای حالیه گویا تا درجه باین مقصود نائل آمده، یعنی تا جایی که توانسته اند، عقل وکلا

را بچسباند، تمام این مجالس سری بیه اش جهالت ملت قرار داده شده است، کم کم اهمیت مجالس سری هم از بین مرتفع خواهد شد، هیئت وزرای حالیه انگلستان قریب دو سال است بروی کار آمده تا امروز یک مجلس سبری منعقد نه نموده، بعدها بکنند میباشم ولی در عرصه دو ماه و نیم پارلمان ما چندین مجلس سبری برپا داشته، و سلسله جنابان مجالس سری بدان خیالاتی که عرض کردم هیئت وزرای حالیه اند که گویا عبارت از شخص امیرالسلطان میباشد

جبل المتین

ما با عقائد دوست خود تا آنجا بیکه راجع به هیئت وزارت تصدیق داریم، ولی دوات محترمه وکلای ملی را ببری از این خیالات می بنداریم، این ذوات محترمه هرگز ملت خود را جاهل و نادان چنانچه دولتبان قرنها عرض منافع شخصی حلوه داده بودند تصور نمیکنند، چه خود میدانند هر یک از هر طبقه که انتخاب شده هزارها مانند او و صدها دلا تر از وی در همان طبقه موجود است، هنوز چندی نگذشته تا مقاطعات اولیه خود را فراموش نمایند، و باقی بن الله دین دوات محترمه و خودهای با دانش موجودند که ایرانیان را مایه نعر و مباحث میباشند مانند تنی زاده و امثال ایشان این نکته را هم ناگفته نباید گذارد از وقتی که جناب سعدالدوله از شرکت مجلس استعفا داده وضع خیلی تغییر کرده مقام منبع سعدالدوله بر احدی از هموطنان عزیز ما پوشیده نیست حیف است که ما رضا باسئمه های این وجود محترم دهم امیدواریم عنقریب از جانب یکی از بلاد این وجود ما دانش احساب خواهند شد

گذشته بر این انجام منبع را وکلا میدانند دوات مستعجل است، و باز فردا بمقام اولیه خود باز گشت خواهند نمود، و از همان اشخاصی که جاهل تصور کرده اند بجای آنان آمده آنها را جاهل خواهند خواند، از همه بالاتر آنکه دانسته اند این دور و زمان مقتضی بوده پوشی نیست، خود بخود سر اثر افکار آشکار و آفتابی می شود، البته دولتبان سعی هستند که به تدابیر عملی این خیال خام و فکر ناتمام را در سر آنها جای داده آنان را شریک العقیده و الکلمه خود

نمایند ، ولی هرگز بدین مقصود نائل نخواهند گردید و همین که وکلا بی بردند که قصد دولتیان از سلسله جنبانی مجالس سری چیست ترك خواهند نمود ، مگر در موقعیکه خود شان از روی صحت اشد ضرورت را بینند ، دعای ما این است که خداوند عموم وکلای محترم ما را جسارت مشروع عنایت فرماید تا هم مقام خود را بشناسند و هم مقام دیگران را بدانند

### از خامه یکی از دانایان

هیئت یلتیک عالم در حکم وجود انسانی است که از ابتدای تولد خود بواسطه بعضی عوارض خارجی ممکن است یکی از قوای اصلیه و عناصر اولیه او دو جار علت شده بزودی بدرود زندگی نمایند ، یا آنکه بعلم برخی ترتیبات صحیحه بر قوت وی افزوده تطویل دوره حیات کند

فرقی که بین حیات انسانی و زندگی یک ملت مشاهده میشود آن است که طول عمر نوع انسان بسته بامور طبیعی است ، و تطویل حیات هیئت جامعه را علت غائی تکمیل عوالم صنعتی میباشد ، بعبارة اخری زیاد و کمی نوع بشر در دست انسان نیست ، و حال آنکه در شعبه نای تطویل عمر هیئت جامعه و تکمیل مراتب آن بسته بترقی امور صنعتی و بنابر این درید قدرت انسانی است

مثلاً در هیئت جامعه بواسطه ابداع و ایجاد قوانین اساسیه و اختراع صنایع دفاعیه ممکن است مدت زمانی مملکتی را بحال ترقی نگاهداشت ، و روز بروز بر قوت و استحکام آن افزود ، لذا برای قان شدن بهدارج عالیة تمدن بر ذمه حکومت هر ماحیه فرض و لازم است در بدوامر شالوده ریزد که قصد ترقی ابدی از و طاهر باشد ، و مقتضی هر مملکتی را لازم است که هنگام ایجاد هر قانونی حق المقدور سی و کوشش نموده ملاحظه منافع و مضار آتیه را از دست ندهند ، و در ماده حکومت مقننه و اجرائیه منتها درجه هم خود را مصروف نموده اساس این دو قوه اصلیه را بر روی پایه محکم و استوار نمایند

حکمای اروپا حکومت هر ناحیه را بهیکل شخص تشبیه ، و اداره حکومت مقننه را بجایه قلب و حکومت اجرائیه را بمنزله دماغ آن فرض کرده اند

بنابراین میگویند همان طور که برای انسان با علت قلب زندگانی محال ، و با وجود اختلال دماغ مدتی بطور مالحوایاتی و حال جنون فی الجمله تعیش کرده طی میکند در هیئت جامعه نیز این دو قوه معظمه در حکم قلب و دماغ است ، برای افراد بشر و علت و نقاهت هر يك ازین دو قوه هیئت اجتماعیه را سخت دوجار الم میسازد ، واتی که احتیاج هر مملکت و مملکتی بدو اداره مذکوره که در هیئت جامعه جزء الزم و عنصر اولیه بشمار می آید اظهر من الشمس است ، و هر کس بقدر دائره فهم خود ادراک میکند که ترقی - تمدن - امنیت رفاهیت بالاخره عظمت دوات پیشرفت مملکت بدون وجود قانون که برای هر مملکت و سلطنت که بمنزله روح و قلب است حاصل نشود ،

بدیهی است پس از آنکه نیر رخشان قانون طلوع نمود و باطراف و جوانب نور پاشید وسیله لازم است که بتوان از اشعه آن منتفع گردید ، و از این خوشه بارور توشه برچید ، در اینجا است که احتیاج عنصری ثانوی تولید میکنند ، و وجود اداره اجرائیه لازم میباشد ، یعنی دیوانخانه تشکیل می یابد که نوع انسان را چنانکه خالق کل بطور تساوی آفریده مساوی میداند ، و انسان ناطق را اعم از شاه و گدا بیگ چشم مینگرد شرافت انسانی را بعقل و دانش و خیرت و پیش میشناسد ، و مال و منال را وزر و وبال میداند ، نه علت عزت و اجلال ، در این موقع باب عدل گشاده میشود ، و نسیم خلد برین میوزد ، نمونه عالم قدس اشکار و گرگ و میش هدم و یار میشوند ، بنابر فواید مذکوره و وضوح لزوم هر يك برای هیئت جامعه عقلای عالم و برگزیدگان نوع بی آدم هر يك ازین دو اداره را لازم ملزوم یکدیگر دانسته و عدم هر يك را منوط بانتفاء دیگری تصور میکنند

پس از آنکه قلب و دماغ کما هو بره حاصل کرده قوت گرفت صحت هر يك از قوای جامعه نیز مر وجود انسانی را الزم و اهم میگردد ، و صحت و سقم هر يك از قوای - باصره - لامسه - سامعه - ذائقه - شامه بقدری مورد امان نظر میگردد که علت جزئی هر يك از آنها ممکن است بصحت انسان صدمه کلی زده تولید امراض مزمنه نماید ، همینطور در هیئت اجتماعیه دائره

علوه و معارف، حربیه - مالیه - تعمیر طرق و شوارع - انتظام تجارت داخله و خارجه، در حکم حواس خمسہ است، برای انسان پس از صحت قوای اصلیه و انتظام عناصر ثانویه بدیهی است که انسان با استعانت صحت قوای خویش متصل دوائر جسمیه اش در کار است و بقدری زبرک و زرنک میگردد که اگر فی الجمله خاری در زیر پای خود بیند با کمال سهوات آن را دفع میکند، هیئت يك مات نیز ازین حیث مشابہت تام و تمامی بوجود انسان دارد، و در صورت تقویت قوای سابق الذکر بر عظمت و استحکامش روز بروز افزوده میگردد همان طور که با عدم آن قوا معدوم و بواسطه نقصان هر يك علیل و ناتوان میشود

(عبدالکریم طباطبائی)

### مکتوب از کجرات

شکایت از کتب درسیه مدارس صوبه بمبئی

قابل توجه اداره معارف

(العلم فی النضر کالشمس فی الحجر) این مطالب واضح و موید است که هر کس هر چه در او دکی آموخت از لوح سینه اش زایل نمی شود، بلکه آن آموخته در تریز و ترقی خواهد بود، خصوصاً مقالاتی که راجع و مربوط بآئین و عقاید مذهبی باشد، لذا شخصی با غرض یا بی غرض در مخدوش ساختن عقاید مذهبی اطفال اسلام و یا بی خیالانه چند جلد کتاب زبان کجراتی تألیف و تصنیف نمود، و در این کتاب عبارتی مسطور است که به تقدیح و تقدیح خام الانبیاء محمد ابن عبدالله (ص) پرداخته و به اوصافیکه ذات پاکش منزله و مبراست نسبت داده من جمله در آن کتاب نوشته شده (این کتاب که ساخته محمد است اسمش را فرقات گذاشته و منزلات آسمانی تلم داده) ازین کلام معلوم میشود که نه فقط توهین باسلام شده بلکه توهین هر يك از پیغمبر انیکه صاحب کتاب آسمانی هستند شده است که انجیل عیسی (ع) و تورات موسی (ع) و زبور داود (ع) و صحف ابراهیم (ع) باشد آری

(سودا چنین خوش است که يك جا کند کسی)

این کتاب موصوفه الآن در مدارس جاری و

مشغول تعلیم و تعلمند در این خصوص مسلمانان آنجا شکایت کرده اند که این کتبها ادهان اطفال اسلام را مخدوش و عقیده شان را مفتوش می کند بدین جهت از اداره معارف ماتمس و خواهانند موقوف کردن و متروک داشتن این کتب را در تعلیم دادن باطفال شان

### اخبارات خارجه

§ در مجلس کافراس (هیک) منظره مضحکی نمودار است - يك وکیل زبان وکیل دیگر را نمی فهمد - هر کدام نطق مفصلی بزبان خود مینمایند از روی قانون و ترتیب، از این رو تعطیل زیاد در فیصله هر مسئله واقع می شود - اهل الرای را کمال این است کافراس حالیه (هیک) منتج بهیچ نتیجه دلخواهی نخواهد شد فقط در خصوص حکم تغییر و تبدیل بعضی امور اگر نتیجه بدهد خبلی است -

§ تاکرانی از (واشنگتن) رسیده که رفته رفته در ساحل بحر (یسفیک) دسته های جهازات امریکا پیشقدمی نموده اند

§ (مستروستن چرچیل) در جواب (چارلس دابک) در شورای انگلستان اظهار داشت که تجارت برده فروشی سواحل زنگبار از ماه اکتوبر متروک خواهد شد و مجلس شورای ملی خسارات این تجارت را بدمه خود گرفته است -

§ وقایع نگار (دبلی میل) می نویسد که اداره بحری ژاپون جهت تعمیر يك جهاز جنگی مانند (دریدنات) در کارخانه (کروپ) فرمایش داده، که توپهای ۱۲ انچی داشته باشد، نه ماه در ساختن این مهمات داده شده، در کارخانجات انگلیس بسبب داشتن کارهای زیاد این فرمایش داده نشده است

§ مخبر (روتر) از (سیول) پای تخت کوریا خبر میدهد برای تحقیق فرستادن مأمور مخصوص پادشاه (کوریا) در کافراس (هیک) هیئت حکومت کوریا کسبوفنی مقرر نموده که تدارک دخل و خرج (کوریا) را از روی صحت به نماید

§ (رسولی) سردار باغبان مراکو توفیق (سرمتری مکابن) را در مضافات (کس) صلاح ندیده در کنار (بنیا روس) در گوشه خلوتی جاداده است

§ تکراف (توسبرگ) ظاهر میدارد که دولت روس را اراده این است الی سال (۱۹۱۹) در تعمیر جہازات جنگی و آراستگی آنها هر سال ۳۰ ملیون منات صرف نماید

§ بزرگ کشیشان (کنتربری) مرشدانق بحکومت انگلیس تقدیم نموده در جواب آن (سر ادوردگری) وزیر خارجه انگلستان اظهار داشت که وضع داخله جون آنجا بسیار ردي است اقدامات دولت انگلیس زیاده بر این مورت خطرات زیاد خواهد شد دولت انگلیس سی در همراهی سایر دول با خود درین موضوع خواهد نمود

§ در کافراس (هیگ) نماینده دولت هولاند تحریک نمود که در ایام حرب در مواقع جنگ تمام دول اختیار داشته باشند سرنگ های دریائی داشته باشند § درات (بازیک) تصمیم غرم نموده که اطارت وسیعه (کنگو) را کاملاً متصرف شده جزئی وکلی امور داخله او را هم خود به نماید

§ قرب (جوهاسبرگ) در شهر (روکسبرگ) مهمان خانه (کراون هتل) را از ضرب نارنجک خراب کرده اند - اتلاف نفوس قلبی هم شده لوله هاییکه برای جریان آب نصب شده بود از ۳ موضع کوشش نموده به برانند تا کام شدند

§ اعلیحضرت امپراطورین روس و آلمان بردریای (ناروی) به ملاقات یکدیگر متلذذ خواهند شد

§ روز نامه اداره جنگی روس می نویسد که در کانفرانس (هیگ) در ماده قات اسلحه نمایندگان دول تحریک نمودند - نماینده روس بر این ماده غور نموده اظهار داشت که دولت روس را بسبب محاربه بی دربی نقصان زیاد عاید و اسامحه او اکثر بر باد شده تا وقتیکه آنها را مرتب نکند نمیتواند تأیید این تحریک را بنماید

§ امیرالبحر ژاپون (یامامونو) در نیویارک وارد شده اظهار داشته است که در ژاپون و امریکا برای استحکام اتحاد دولتین کوشش های بلین می شود - از بحر (سفییک) این طوفان تکدر عما قریب خواهد گذشت - امیر البحر (ایواس) امریکا با امیرالبحر (یامامونو) ملاقات دوستانه نموده است

§ عادت خوردن تریاک در سنه از قشون بحری

فرانسه بحمدی شیوع یافته که در جلو گیری این عادت منحوسه دستور العمل و قانون مخصوص نفاذ یافته است § اعلیحضرت (ادورد هفتم) پادشاه انگلستان را در (دبلین) با تشریفات شایان پذیرائی نموده، ایشان تماشای نمایشگاه را کرده در مهانی باغ هم شرکت فرمودند، در حین مرور شوارع از اهالی بملو بود § (و اشکونت ایسکی) سفیر ژاپون مقیم (واشنگتن) اظهار داشته که بین دولتین امریکا و ژاپون هیچ قسم اتفاق نیست - افواہات جنگ و غیره همه غلط محض است § (سر هنری کمبل بنرن) رئیس الوزراء انگلستان در جواب (دوکتور رودر فورد) اظهار داشت که محض بحث در معاملات مصر و عالیة آن هم ساله تاریخ مخصوص مقرر نمی تواند نمود

§ در جہاز جنگی (گولویس) که شامل دسته جہازات (مدیترانه) است حریق واقع شده لاکن زود خاموش نمودند

### مکتوب از کرمان

بعد از تاکرات اهالی باغد آسیاب مجلس ملی گفتگو های بین کسان جناب مجتهد آقا مافر با آم تمام شد

جندی است جناب مجتهد ما پسر خودشان آقا میرزا علی محمد در دهات خود رفته از شهر مهاجرت فرموده که حرف ها تمام شود، و آقا زاده نیز ساکت شده امید است من بعد عموم اهالی یکدل و یک جبهه در مقام یکرنگی و همراهی مجلس ملی برآیند، و عموم آقایان از خواب بیدار کردند خدا میداند میخواستم واقعات سفر خود را شرح دهم در ورود بخاک ایران فراموش کردم، این اوقات چون نظامنامه نرسیده معدودی از عوام کنگاشی داشته بعضی نطقها نموده که از مجلس حکم ادای مالیات نرسیده مجلس محلی هم که نداریم دیگری گفته است از فلان همسایه رعیت هست در کرمان از همسایه دیگر رعیت نیست، یک نفر میرزا عباس یزدی تاجر نا این مزخرفات را می گفت، بهر حال بعضی مطالب و مهملات که ناشی از عدم بصیرت و جهالت و بی علمی است که عوام میخواهند اظهار هستی و حقوق ملی نمایند خود را بمطالب خارج از موضوع داخل میکنند، این واقعات

را بطهران خبر دادند تلگرافی سخت در تنبیه و تأدیب و تبعید آنها بامضای انانک اعظم رسیده یک نفر قالی باف ابوالقاسم نام را گرفته تنبیه و تبعید کرده ، طرف هم فرستادند یکی دو نفر مهمل گو نیز بناهند؛ علما شده اسامی آنها را و کسب و کار آنها را معین کرده در غمره بعد مفصلاً و مشروحاً بمرض خواهد رسانید ، آنچه این بنده تجربه کرده ام این است که در این شهرهای دور از مرکز اهالی بواسطه عدم معاشرت و عدم مطالعه اخبارات بکلی از اوضاع عالم بی خبرند تصویری ندارند علماء آنها نیز اطلاع از جانی ندارند ، روزنامه‌های سابق را هم دیده اند تمام مزخرف و دروغ و مداحی بوده بهمان خیال اخبارات را وقتی نمیگذارند حق نیز دارند چرا که هنوز بعضی اخبارات ما بعدادات ذمیه خود عرضی گرفتارند و بعضی مطالب می‌نویسند که اسان متعجب است در همچو عصری اخبار را وسیله دخل خود نموده بر ضد یکدیگر لایحه‌های مهمل بنویسند آنچه معلوم است مجلس محترم ملی نیز از جواب دادن مردم شهرهای دور و نزدیک خسته شده بکلی خود را از رسیدگی بجزئیات حایع فرموده و راجع بوزارت خانها می‌فرمایند ، تا بحال بکلی مکتب ابتدائی در این شهر نه بود کشیش های انگلیس مکتب خانه و بیمارخانه ساخته بعد از موعظه و دعوت مشغول بمعالجه آنها شده مع ذلك کاه دوانی که میدهند قیمة گزاف میگیرند حکیم زنانه و مردانه هر دو دارند

اهالی نیز از فرط اضطرار بزرگ و کوچک رجوع نموده محتاج بوده و هستند

لان حالا بك حکیم ایرانی دکتر حیدر میرزا شاهرده نجیب با عالمی ! حکومت خالیه بکرمان آمده است ، حق مقام من تربیت شده‌گان ایرانی را خالی دیدم چه خارجه چه داخله آدم باین صفات حمید ، کم دیدم ، گویا در طهران نیز این طور شخصی که هم با علم و هم با عمل و هم خلیق با فقرا و اغنیاء مهران هرکس او را احضار نماید ولو شب باشد حورا حاضر می شود مختصر دوا خانه هم راه انداخته لاکن خوب است کسانی که درد دین و ناموس وطن دارند بك بیمارخانه در کرمان ! وجود این حکیم

احداث نمایند ، لا اقل يك دوا خانه موجود کنند ، فایده هم به برند تا دیگران آنها را دعوت به بدر آسانی نه نمایند ، تا بحال متعذر بودند حکیم نداریم لاکن مردم این شهر را خوب سیاحت کردم لذت و علت غائی از زندگانی را دو چیز فهمیده اند یکی پول جمع نمودن و در جانی پنهان کردن و دیگری احتکار نمودن و پول بهم بستن بر املاک خود افزودن مثلاً شاید سی هزار تومان قرض میکنند تمام را ملک میخرند و زول میدهند برخلاف شخصی حکیم مهذب ملک میفروشد قرض خود را میدهد که دلت و خواری قرض را نکند و نه بپند ، این عادت نیز از فرط استبداد در عموم دهات ایران ملک بلدان معمول است باز قدما بواسطه اینکه در دین خود استحکام داشتند ، و دین ماور تر از مردم این زمان بودند ، بعضی موقوفات یا بناهای خیراتی ایجاد می نمودند ، حالا بواسطه حرکات بعضی ملانها مطلقاً این کار نیز موقوف شده قدما را ملامت میکنند میگویند ، چه قدر بدران ما احق بودند که اینهمه املاک را وقف نموده اولاد خود را مبتلا بمخاصمه کرده همه محصول آنها را الدنگ ها میخورند قراریکه میگویند موقوفات این مملکت زیاد است يك مدرسه جدید ابتدائی نیز تازه احداث شده مسمی بصورت ملی ، اهالی از شدت عطش بمدرسه در یک هفته دو هفته متجاوز از صد شاگرد جمع شده خیلی چشم روشن شد و همسایه قریب مدرسه را دیده از وضع آن مستحضر شده در هفته های آتی مفصلاً بمرض خواهد رسانید ، الحق در همچو شهری هرکس باعث ایجاد آن شده خیلی شخص نا عزم و قابل تمجید است ، اقل در این شهر و بلوکات بیست مکتب لازم است که اطفال فقط سواد قایمی پیدا نمایند ،

بلوچستان که تا بحال می شنیدم اهمیت دارد از قرار تقریرات اهالی اهمیت آن این است که يك مکتب وسیع خراب و يك بیابان طولانی بی صاحب است ، از گوشه و کنار آن بردن سهل است چنانچه دو ناک تا بحال برده شده ملی اهمیت آن بجاورت هندوستان و سند است که همسایه دروازه هندوستان میباشد دیگر رقابت رقیب نیز معلوم است

ای خدای مهران ، آیا ممکن است روزی بیاید

که ایرانی رسم و اسم هر دو را دارا باشد ایرانی چشم داشته باشد، گوش داشته باشد

حساب مؤبدالاسلام اشخاصی که در خارجه سکنی دارند چون تربیت شده و دارای حب وطنی و وطن پرستی میباشد سالها از ایران مهاجرت اختیار نموده خبر ندارند ایران چه طور ایرانی است اسم ایران بزرگ است سلاطین ایران در همین قرنهای نزدیک مملکت بزرگ را طاک بوده افغان که یک حاکم بشین مابوده امروز پادشاه مملکت خداداد خود را میخوانند، نوعی سیاسی دان شده که قوه فوجی خود باروس وانگلیس بجاورد بوجود کابینات ازوقتی داخل وطن شده ام خرق هوای حیرتم که شدت ظلم و استبداد چه طور حالت این ملک را تغییر داده بکلی ناموس پرستی وطن و حب در نوع آنها نیست ما از عوام چه توقع داریم عوام دهات و شهر ایران اهل حکم حیوان را بهم رسانیده قبول خودشان تابع ظلم شده حرف ما سر بزرگان این مملکت است که بکلی حسن و قبح انبیا را درک نمی کنند خوب باید مطالب را تشریح کنیم تا درست تصدیق قول مرا فرمائید.

جامعی از عقلای طهران تبریز اصفهان و غیره چشم خود را مالیده بیدار شده فهمیدند مملکت در حالت نزع است از شدت ظلم بدترین نقاط ظلم شده، امروز یا فردا باید مستبد دلت شد، باید زنها و دختر های ایران هم قسمت سر بازهای خارجه شود باید با نهایت دلت سر با جانب فرود آورد نشستند و گفتند و برخاستند حالی علای اعلام کردند وحالی شدند علاج کار موقوف به تأسیس مجلس ملی شد امام زمان عابد السلام بر قلب شاهنشاه مرحوم ما القاء فرمود باوضی که ملاحظه میفرمایند صاحب مجلس ملی و سلطنت مشروطه شدیم، شاهنشاه جوان بخت جوان عمر ما که بپر عقل است قبول تکالیف علما و عقلای وطن را فرمود حالا وقت امتحان است که بچشم ملاحظه کنیم کدام شخص نطفه آن ناپاک و دشمن دین و ایمان و وطن و دوات و مات و پادشاه است، و کدام شخص دوست وطن دین دار نطفه آن طیب و طاهر هوا هوا بقای دولت و سلطنت ایران است بواجب الوجود سلطان عصر ما هرگاه اندکی توجه بعراض

ملت و دولت خواهان فرماید باید این دشمنان وطن و دشمنان سلطنت را با آتش بسوزاند و آب غرق فرماید، مگر آنکه ما چشم خود را عمداً به بندیم والا خداوند عقل را در مملکت وجود ماودیمه نهاده تا تمییز حقیقت و مجاز نام

باید خوب فکر کنیم، دوست رجوع مابقی سلطان عقل نامیم، و بگوئیم این همه مردم در طهران و تبریز بلکه تمام ایران از آنها و بزرگان و رؤسا و خوانین و سرکردگان ایلات که امروز با هم نزاع دارند برای چه موضوع است

ای شاهنشاه عادل، ای عقلای ایران، این مجلس ملی خواه نامص یا کامل امروز اساس نجات ایران است این مجلس نماینده پیغمبر است نماینده امیر مؤمنین است نماینده ائمه است نماینده سلطان است نماینده ملت ایران است، این مجلس میخواهد پادشاه ما را تالی امپراطور اعظم انگلیس و ژاپون نماید، این مجلس میخواهد خزانه دولت را آباد نماید این مجلس میخواهد شرف ایرانی را حفظ نماید، این مجلس میخواهد زنها و دخترهای ما را از بی ناموسی کفار محافظه کند، این مجلس میخواهد ایران را یک محکمه جنکی بسازد که ده کروار قشون بجهت اهل حضرت محمد علی شاه یا در رکاب باشد این مجلس میخواهد راه آهن در ایران بکشد، این مجلس میخواهد اسم ایران را رسم نماید

آیا وحدان سیم درباره مستبدین و مخالفین این مجلس چه حکم میکند، اشخاصی که بر ضد مجلس قدم میزنند والله ننگ تمام بی ناموسان روی زمین هستند، کسانی که باعث قتل برادران تبریزی ما شدند بحق شریعت بمراتب از شمر و یزید و خولی و زنان و ساربان بست ترند، ملا نهائلی که بر ضد مجلس بر میخیزند والله از ملاهای کوفه و شام که فتوی بر قتل پسر پیغمبر دادند بیدین تر اند شهادت حسین (ع) باعث بروز دین اسلام شد، لکن مخرب مجلس ملی میخواهد باعث ننگ عموم اهلی ایران، و قلع اسس بیضه اسلام گردد لعنت بر این قوم که نام ایرانی را نجس کردند، و در تمام کره ارض ایرانی را بدنام نمودند،

ای بزرگان با غیرت ای وزیرای ملک حلال (بنده یکی را می شناختم مرد) ای علای دین دار، ای

غیرت و مندان ایران که در کتاب آسمان ندیم عبرت  
 مهوت و شجاعت شما ذکر شده است یا جان مال دین  
 حمایت مجلس که حافظ ناموس و ام شما میباشد بر خیزید  
 و عجباً شنیدم از مأمورین رشوه میخواهند که مثل  
 همه ساله قشون را تاراج نمایند، با وجود صیدق مطالب  
 آیا پادشاه جوان بخت عادل ما ملاحظه میفرماید،  
 که هم چه اشخاص دشمن دات مقدس شاهنشاه و  
 باعث زوال سلطنت و دولت میباشد، که در هم چه  
 موقعی لشکر را که ناموس مملکت است میخواهند  
 غارت نمایند، آیا جای انکار است؟ شاهنشاه ما امروز  
 هو الخواه مجلس است قشور میخواهد، اگر خدا نخواسته  
 دشمن محسوم باشد باز قشون میخواهد، پس کسی  
 که سحر این موقع نازک پروتال دولت را میخواهد بکند  
 غرض مخصوص با دولت و ملت و سلطنت دارد در  
 صورت وقوع امر از دو صورت خارج نیست یا شدت  
 حرص بدبیا و حکومت ری صرف نظر از معایب  
 این امر خطیر می نماید، یا آنکه منظر و عده ریاست  
 و سلطنت نابد باشد، دیگر سبب نالی ندارد،  
 ای مستبدین حالا دیگر محل است مجلس موقوف  
 گردد، آنچه لازم می بود کردید، برادران وطن  
 و دین ما را قتل نمودید، آنها همه اهل توحید بودند،  
 هر کدام یک نفر زیادتر بود، بجهت حفظ وطن و  
 حفظ ناموس وطن جان های خود را نثار ما کردند،  
 آیا داعیه سلطنت و حکومت داشتند؟ آیا منکر  
 ضروریات دین بودند؟ آیا میخواستند مداخل نمایند؟  
 بجهت سبب خون آنها مباح شد، پس معلوم کردید که  
 مظلومان مجلس جدا مخالف با دین اسلام و سلطان اسلام  
 و عدل و مساوات میباشد، هر کس یک نفر ایرانی را بکشد  
 یک نفر اولاد اهل حضرت شاهنشاه ایران را کشته  
 است، مجلس میخواهد ایرانی ها را که بخارجه رفته اند  
 برگرداند ایران، وطن هنریر خود را آباد نماید، شما  
 ایرانی ها را قتل میکنید و نرد میکنید  
 امروز تمام ایران و مجلس ایران در تمام کره ارض  
 بلند است و تمام واقعات روزانه ما را میخواهند،  
 با تلگراف باقصای مغرب و مشرق میروند، بدین  
 است مستبدین بطیلت می کنند چرا در روسیه تالان قدر  
 آدمی کشته شده بجهت بجای استبداد او ما نیکو کنیم و بخیر

تاریخ ما را که به ناپید، میبندد روس قانون  
 داشت، عموم خلق میراثت قانون بودند، حامیان  
 استبداد طالب وسعت مملکت و تصرفات غیر مشروع،  
 شرق و غرب بودند، وسعت مملکت و وسعت دولت  
 حرص ظلم گیری داشتند، حامیان مجلس (دوما) و  
 آزادی طلبان نیز صورت مملکت و آزادی و آسایش و  
 حفظ بقای ایالت و وطن را میخواستند و می گفتند همین  
 ما که دارید آباد نمائید، چرا باید یک گروه ایالت جنس  
 ما را بجهت تصرفات غیر مشروع تکلیف تعهد و تمام  
 مالیات را صرف رجال خود فرس نمایند؟  
 میان ما من تا ماه گردون  
 تفاوت از زمین تا آسمان است  
 حامیان مجلس ما میگویند وطن ما مشرف بمرگ  
 است، صنعت کرور رعیت ایران از شدت ظلم به ۸۸ کرور  
 رسیده، سلطنت قومی ما امروز و فردا تمام نخواهد شد  
 شهرهای ما حکم مزابل دارد، تمام رعیت مزدور  
 خارجه شده، بی علمی و جهل ما از اهالی افریقا و  
 برستان زیادتر شده، امروز یا فردا دین، ناموس و  
 وطن ما با تال می شود، علمای ما دلیل، خار، خفیف  
 خواهند شد قرآن کتاب آسمانی ما مثل اوراق آجیل  
 و زور و سایر صحف تقویم یارینه خواهد شد، زنیای و  
 دختران ما هم آغوش سرمایه های خارجه خواهند گردید  
 (قوموا اشرب الصبوح یا ایها الذمین) بر خیزید دست  
 بهم داده راه نجات پیدا نمائید، راه نجات اتفاق  
 اتفاق، اتفاق است تمام هستی خود را صرف ترقی  
 وطن نمائید، تمام سرمایه وطن گردید، از دلت احتیاج  
 بیرون آید، علوم صنایع را زیاد نمائید، بجهت علم  
 اتمتای خدا داد وطن را که سالها در زیر خاک مانده  
 و هزار مدعی دارد کشف کنید، بجهت بخارف دنیای  
 دنی خارجه را بر خود مساطه نمائید، بر خیزید، وقت  
 نداریم - روز ما با آخر رسیده - معنی شرف -  
 ناموس - وطن - علم را بفهمید، نام ایران و ایرانی  
 را باید کنید، سانس جوین و کرباس وطن قاعدت  
 نمائید، کفالت و کادورات خارجه را بطری بختوطن  
 نخرید و نخرید، تبیعه های خارجه را مثل و حشمتی  
 امریکا باطلای وطن معاوضه نمائید، موقوفات را  
 خرج نجات وطن کنید



گویا جواب مستبدین ایران بمجلس و مجلسیان اینست ( ما صد سال است شما را تاراج کردیم ، شما را مثل اهل افریقا و زنگبار فروختیم شما عبد ذلیل ما بودید ، ناموس شما را حق خود میدادستیم ، اطفال شما زلف و مرد خدام ما بودند ، شما رعیت بودید ، بجهت هوای نفس و قنن شما می کشتیم ، حالا میخواهید بر ما تفوق نمایند ما را مواجب خوز قرار دهید ، ما املاک شما را بر قسم تصرف میخواهیم غصب میگردیم ، ما ریاست و اقتدار خود را وا نمیکذاریم ولو اینکه خارجه ایران را تصرف نماید باز بواسطه ما خواهد بود کبسه های ما از طلا بر خواهد شد ، راه نمای خارجه طایم

شاهنشاه ایران ما دام که اسباب دخل و اقتدار ما میباشد سرفرو آورده پرستش میکنیم و الا هر کس میخواهد بر ما پادشاه گردد دم را غنیمت میشماریم ، وطن چه معنی دارد ، شرف چه چیز است ، پول - مدخل - تاراج - دولت - ملک - میخواهیم ، هرگز چشم رعایا نباید باز شود همیشه ذلیل و جاهل باشند تا بمیرند

ولی ناظم کارخانه علم امکان وقاضی عدل واصف و خالق موجودات میفرماید ،

امروز درجه ظلم و استبداد از حد اعتدال خارج شده ، نوبت مکافات است ، بندگانی خدا پرست ما برای نجات دین ما برخاسته بمقتضای عدالت آنها را مدد خواهیم داد ، همآ قریب شما را در محضر عدالت حضور حاضر و مکافات خواهیم کرد ، نام زشت شما به تمام روی زمین بلکه نزد تمام درات موجودات بشری یاد خواهد شد ، مورد لعن و طعن تمام عقلای عالم واقع خواهید شد ، مجلس ایران بهم نخواهد خورد ، روز بروز قوت آن زیاد تر خواهد شد و در انتخاب دیگر تمام عقلا و دانشمندان ایران انتخاب خواهند شد ، اعمال و افعال شما بحسب خواهد گردید ، ریثه استبداد را قطع خواهند کرد اگر میخواهید نام نیک بهم رسانید و اولاد شما دوجار مکافات اعمال مستبدانه شما نگردند و روزگار با اعقاب شما تلافی نماید توبه کنید انابه نمایید ، یا برادران خود متفق شوید ، وطن خود را حفظ کنید ، خیانت بشاهنشاه ایران و ولینعت خود روا ندارید ، دخل شما بعد از پنج سال ده برابر خواهد شد ، و مانند انگلستان لردهای ایران خواهید گردید ، اگر شما بخارجه

رفته در جرگه رعایا سیاحت نمایند معنی ذلت سلطنت اغیار حالی تان خواهد شد ، خواهید فهمید گدائی در وطن خود و قوم خود از وزارت و ریاست در خارجه بهتر است

### جرم وطن پرستی

گویا امروزه در مورد ما ایرانیان وطن پرستی جرمی است که ارتکابش سهل است آنهاش نیز اسباب بدبختی و فلاکت میشود

یکی از بدبختیهاشکه در این دوره مر ایرانیانرا استقبال کرده همین است که هر يك از اینا وطن که فی الجمله از مزایای وطن پرستانه بهره مند باشد همواره در مخاطر و محذور گرفتارش کرده وطن پرستی و برا حزن نکال و خسران ندهیم ، و تا توانم آن بچارگانرا سوخته دماغ ساخته ببر وسیله که شیطنت تجویز نماید موجبات گرفتاری حمة آنان فراهم آوریم ، و با وصف این اعمال هنوز چشم داشت آن داریم که رشته قومیتان نگسسته وسعادت حریت ما را وداع بگوید مثال این معنی پس از آنکه در نامه مقدسه نمره

۳۹ - مقاله از قلم یکی از اعضاء مسلمان گمرک خلیج که کاشف ار پاره اعمال احنیبان و در حقیقت مرآت بعضی عیبهای ایشان بود درج فرموده بود مأمورین باژیکی که ساحت خویش را از آن اعمال باک و منزه نمیداستند از خوف اینکه مبادا سایر کردار آفتابی شده و برده دریده کردند بکنفر از اعضاء اداره بندره عباس را ( موسوم بمیرزا سید حسین خان و ملقب بمترجم نظام ) باتهام وطن پرستی مهم وادعا کردند که مشارالیه کاتب آن لایحه است و ثبوت این ادعا را هم گفتند که هم جنسان مشارالیه ( یعنی سایر اعضاء ایرانی گمرک ) محض پیشرفت امراض شخصی می گویند که وی در وطن پرستی از دیگران امتیاز دارد ، گذشته از این در مقاله ذکر شده که رافم از عمره تا پوشهر به همراهی مسیو ( و افلار ) مسافرت کرده بود

این توهمات بجائی کشید که رئیس گمرک بندر عباس درملاطام نسبت بسید خاشی کرده گفته بود که بدون اخبار بیوشهر و طهران و برا از عمل منزل خواهد کرد و حال آنکه معلوم است که سید مشارالیه نوکر شخصی سرکار رئیس نبوده ، بل از طهران

مأمور گردیده و در صورت ثبوت خیانت هم بایستی از آنجا معزول شود، و گویا همین دلایل را خدمت رئیس پیش کرده بود، اما رئیس اعتناً فرموده بعد از دشنام بسیار سید را محض خیانت خیالی قوه جبریه از اداره خارج نموده و گفته بود بعد از آن بطهران خبر خواهد داد - هر چه آن شخص گفته بود این الحراج من در عرف هیچ دولت و ملتی جائز نیست، جناب رئیس اعتنائی فرموده بودند، تا بچاره لابد شده چون از هموطنان و هم جنسان خود رعایای نمی بیند بقوسوطلانه انگلیس التجا میکند و سه روز در آنجا مانده بود، نتیجه این التجای او را نوشته اند، ولی از قرار مکتوب بوشهر گویا بعد از آن مترجم نظام بوشهر آمده و خیال دارد از آنجا رهسپار طهران گردد - شکفت این است که چگونه وی برای گناه نا کرده سزا یابد

(نخست) از کجا معلوم شد که وی صاحب این لایحه است و کدام دایل غیر از ظنات رئیس گمرک بندر عباس و حرفهای سابرین برضد او اقامه شده

(دویم) بدون اثبات جرم چگونه میتوان اجراء جزا کرد، مگر اینکه بگوئیم در ایران هم متمذبن قلب ماهیت کرده وحشی میشوند - !!

(سوم) مأمور دولت خاصه کسیکه در مملکت خود در اداره دولت متبوعه خود استخدام داشته باشد چگونه میتوان بدون اجازه از مرکز او را معزول کرد؟

(چهارم) بی احترامی و دشنام (محض وهیبات) در هیچ قاعده مجاز نیست، مدیر گمرک بندر عباس چگونه بجمع عملی اقدام کرده؟

(پنجم) اگر ظنات و وهیبات موجب اجراء سیاسات میشود چرا آن خائبن که در مقاله فوق ذکر شده اند و خیانات آنها از نوم گذشته بیقین رسیده جزا نیبند؟

(ششم) از کجا ثابت شد که همان ابرائیکه ویرا منم کرده اند این مقاله باسم او نوشته اند؟ از بوشهر نوشته بودند که وقتی میرزا سید حسین

خان وارد بوشهر شده بود بر حسب قانون گمرکی مطالبه کرده بود که گمرک باید مخارج او را از آنجا تا طهران پردازد، ولی نتیجه مفهوم نشده، تعجب داریم فلان شخص ارمی - با وصف آن همه خیانات ثابت که منجر با الحراجش شد - مخارج خود را از عمره تا طهران دریافت کرده و بلاوه موجب سه ماهه بعد از اخراجش را باو دادند، اما این مرد (که محض و وهیبات از کار خارج شده) مخارجش را باو نمیدهند - آخر در قانون دولت یکبام و دو هو نمی شود، شاید همین عمل آنها باعث توضیح سایر کردار شان شود

جناب وزیر مالیه راست که باحسن صافی که دارند این مسئله را کوچک شمرده استنطاقی که لازم میدانند بفرمایند و حقوق مترجم نظام را محض اتهام موهوم از نظر نیندازند

(خادم مات)

### بنام نامی مشروطیت از تقییس

شرح غرّه اول مقاصد - اگر کسی بتاریخ اروپا و آسیا دقت کند میداند که سلاطین همیشه سلطنت را بزور و قوه جبریه بدست آورده اند، و در همه مملکت انظم و زور برقرار کرده اند، و بواسطه زور دوام می کنند، یعنی هر طایفه که قوی بوده است مردم را بقتل و غارت بخود مطیع ساخته سلطنت کرده است، بعد طایفه دیگری که قوه اش بیشتر بوده ریخته است - سر این طایفه سلطنت را از او گرفته خود سلطنت کرده است تا زمان ما.

بر داریم تاریخ وطن خودمان را از اولاد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سلطنت را بی امیه بزور گرفتند، بعد از مدتی بی عباسیه بر زور شده بی امیه را نابود کرده سلطنت نمودند، بی فاطمه بزور سلطان شدند، صفویه - نادرشاه - کریم خان زند - همه وقتیکه قوه پیدا کردند سلطنت را تصاحب نمودند - طاقت قاجاریه آمدند ابرائرا مالک شده و طرفرا نابود کرده سلطنت را صاحب شدند، مختصر از اول بنای این ریاست همیشه در سر آن جنگ و مقاتله و غارت

شده بچهارم و رعیت هزار هزار تا فقه حاکمانه ملکت  
تاریخ و خانه اش ویران شده است تا یکی از غلام بجزاد  
خوب رسیده و بعد از آن هر قدر بول میخواست  
است بزور از رعیت مظلوم گرفته مشغول عیش  
و نوش شده است ، بعضی وقت بخویان تاعاطان شده  
و وقتی بوده است که بعد یکدهاتی شاه شده ، یا سرده  
مزدان یا الخواجه یکادشاهی شاه کرده است ، لیاقت  
نجات عقل ، کفایت داخل نبوده است ، اما بعضی  
بیدینها و مواجب خورهای این غلام و قاصبان حقوق  
را بر رعیت بچاره عوام ظلمت مرق کرده اند و  
سلطنت آنها را خدا داد بنظر داده اند ، اما ملت که  
بیدارند است باید تدبیر را بخواند و کذب این  
کذابها بر او نماند شود ، و دزدان و طغیانوران و  
قاتلین را در هر لباس بشناسند این تاریخ سلطنت  
بود و وضع سلاطین که تا امروز هست اما پادشاه  
حقیقی و معنی آن که فرنگها زحمت کشیده جانها فدا  
کرده پیدا کرده اند و ملت لازم است غیر از این است  
( نصیحت رادوان )

اگر جناب منضم السلطان قدغن کند که میرا  
فرج خان در جلفا نایب نگذارد تا رعیت آموده شود  
●●●

فرقه مجاهدین اگر مطالبی را که از اطراف  
میرسد اول تحقیق و بعد چاپ نمایند بهتر است که  
ملت در حق فرقه های آزادی طلب غرض کان نکنند ،  
برای مثل باجه از شعبه ولاد قفقاز در حق صالح خان  
مأمور وطن برست و غیره نوشته اند اشاره میکنیم  
●●●

بکنند از اعضای انجمن قنایس اگر بعضی ملاحظه  
فلاں را کنار بگذارد و در کار های انجمن همراهِ  
کند عین مات برستی است  
●●●

اگر قوسول گنجه انجمن خیره بنا کند خیلی خوب  
است اگر بول جمع بشود و کار نکنند باز هموطنان  
این رسیده باخواب و مذاکره و قطع مسائل بکارت  
آوا که از نزدیکان مملکت مشروطه است آشنا میشوند  
●●●  
زنده باد مشروطیت ، آیدم بیا مشروطیت

اعلا بسم الله  
تاریخ سرچان ملک و مصور یا نقشه ایران طبع  
اعلی ، کاغذ و خط خوب ، در ۱۶ روبرو کتوریا  
بودا کریس لین ، ساز گلم ، بهی رزده آقا میرزا  
محمود صاحب تاجر کاشانی ، و در اداره تحویل المین  
کلکته بقیمت دوازده روپه بفروش میرسد ،  
اجرت نسبت بر ذمه خریدار است بهر ملک  
از این دو مرکز میتواند رجوع نمایند ، نقیسه  
ایران نیز بقیمت دو روپه بفروش میرسد

ایضاً

بومیه جبل المتین بمسک و مشرب چهارده  
ساله خود در طهران اشاعت می شود هر کس  
ز در هندوستان طالب باشد در کلکت  
باداره تحویل المین و سدر ایران و سایر ممالک  
خارجیه به طهران تخایان لاله زار ، اداره بومیه  
جبل المتین رجوع نماید ، قیمت سالانه در ایران  
سواي طهران چهل و پنج قران و در ممالک  
خارجیه عموماً سی فرانک است

ضرورت

یک نفر عرب مکی یا مدنی که درس  
زبان عربی را شرح بزبان فارسی بتواند داد  
مطلوب است ، مشاهیر ماهانه از سی تا چهل  
روپه ، علاوه مصارف طبایم و قیام خواهد  
یافت - هر کس طالب باشد لایق است که در  
خواست بنام سرانجام برشکافد ( سکه )  
تراویت سکرتری راجه کالا کاکر ضلع نواب  
گده (اوده) بفرستد و در درخواست حالات  
تراد و مقدمات علم خود را بنکارد و پسند لیاقت  
اگر داشته باشد نقل آن موا را در خواست  
بفرستد - ( کترین ۲۰۰۱ )

وقایع ننگار حبل المتین از طهران می نویسد  
 واقعات عملیه بسیار است. نمیدانم چرا اخبارات داخله  
 ماکتر مینویسند؟ گویا هنوز قلم در دستشان لرزان، و دل  
 در سینه شان از خوف طیان است، حق هم تا درجه  
 دارند، چه هنوز کسی بکسی نیست، دولتیان هر چه  
 میخواهند میکنند بدون ملاحظه، و آنچه را مائل  
 باجرایش بیستدگردن مجلس می اندازند. و تکلیف را  
 غیرمعمین می ننگارند، عقبه روشنی در پیش نداریم بلکه  
 دوربینان پیش آمد آینه در حلی ناریک مشاهده نمایند  
 چشم بد دور آبله هم بیرون آوردیم، محمدالله  
 یارقی مازی هم در دربارمان شروع شد، وزیرای مسئول  
 که باید يك روح در هشت قالب باشند، مستعد و متفق  
 در پیشرفت امور نیستند، هر يك تا درجه خود را مختار  
 و مسئول در کار خویش می بندارد، ولی امین السطان  
 میخواهد مثل سابق بر همه ریاست مطاقه داشته باشد، و  
 وزرا انگشتر گردان او چنانچه بودند باشند، این است  
 که باطناً برخی تصرف در کارهای آنها می نماید، در صدد  
 اسباب جینی برای بعضی هم هست، محقریب خواهید شنید  
 که چه آوازه های زشت از یارنی نازیهای درباریان بلند  
 شود، بی اگر وزرا ضامن صحت عمل یکدیگر بودند  
 و خطاهای هر يك مورث عزل همه میگردد، برخی اسباب  
 جینی ها برای عزل یکدیگر میگردند

از روزیکه امین السطان با بران آمده عالم دیگر  
 شده، از هر گوشه صدائی مدهش نماند است، طرفداران  
 استبداد را روحی تازه رسیده، از هر سری يك صدائی  
 بگوش میرسد

در زیرکی امین السطان همین بس که روی خاطر  
 غالب مجلسیست را بطرف خود معطوف داشته،  
 قانون اساسی باسم جناب آقا شیخ فضل الله معطل شده  
 اوست، و بعید نیست اختلاف عظیمی بین ملت اندازد،  
 بقوه جبریه سریه خواست باعث برهم زدن مجلس طهران  
 و تبریز شود نتوانست طام بزرگ حادّه سالارالدوله  
 شد بعد هم تبریزها هوشیار شدند

حالا سعی است که اختلاف بین ملت و رؤسای  
 روحانی در خصوص قانون اساسی اندازد، چنانچه درین  
 باب حلی هباهو بلند است، شاید تلگرافاً بعضی خبرها  
 مجزابه لی برسد

عوض اینکه ملتفت شویم که جقدر رهب خود را  
 بر مجلس اداخته، و مجلسیان در ماده وی مداخله می نمایند  
 رجوع بروزنامه مجلس نماید که در یکی از مجالس سری  
 پارلمان در خصوص بی پولی دولت و لزوم استقراض  
 اظهار داشته، مشارالیه جمیع خرابیهای مملکت و

اغتشاشات حالیه را حمل بر بی پولی می نماید، صاف و  
 صریح گفته که تا پول نباشد هیچ کار از پیش نخواهد  
 رفت (یعنی همین وضع حالیه که بدترین اوضاع است  
 باید ماند) پول یا باید از استقراض داخله بدست آورد  
 یا از خارجه ایشان در خانه کعبه قسم یاد نموده اند که  
 قرض خارجه ننمایند و قرضه داخله هم بسته با تمام عمل  
 بنگ است، لذا باید حجج اسلامیه و وکلای ملت اقدام  
 نمایند در اتمام عمل ننگ ملی

احدی از مجلسیان جواب نداد که حضرت اشرف  
 باید بدانند که قرضه از خارجه خواه شما بخوید یا  
 نخواهید خواه شما قسم خورده باشید یا نخورده باشید،  
 مطابق ممنوع است، گذشته بر این در سلطنت مشروطه و  
 آنکھی در مجلس پارلمان اینگونه سخنان مستبدانه هرگز  
 جایز نیست، و لفظ منیت درین مجلس مقدس گناه  
 عظیم شناخته شده که ایشان میفرماید من قسم خورده  
 ام در خانه کعبه که قرض از خارجه ننمایم ابداً تصور  
 نه نموده که هیچکس را امروز آن ریاست مطلقه نیست که  
 اگر بخواید هم نتواند قرض نماید، این گونه تلفاظ فقط  
 بر شخص پادشاه آهم در سلطنت مستبده زیبا بود، نه  
 بر يك نفر ناظر داخله سلطنت مشروطه،

این امر را جمیع دانشمندان تصدیق کرده اند که  
 تمام هم امین السطانت در استقراض جدید است از  
 خارجه، ولی میدانند که با آن استقراضهاییکه کرده،  
 اگر او اسم از استقراض خارجه را بیسار دیکدغه  
 مردم برخلاف وی خواهند شورید، ازین رو بنا بظاهر  
 میخواهد خود را بری القمه قرار دهد چنانچه در سلطنت  
 مستبده هر خلاف کاری که میکرد میگفت من ناچار  
 بودم شاه چنین حکم فرمود حالا اسبابش را چنان فراهم  
 آورده که گناه بر مجلس حمل شود و اینکه قرار داده  
 هر هفته يك مجلس سری نمایند محض قبولاندن  
 استقراض است مجلس

آنچه عقیده بعضی از مؤمنین است هیئت سفرای  
 فوق العاده که از طرف دولت عالی بدربار سلاطین  
 فرستاده شده که اخبار از تحت نشینی اعلیحضرت  
 شاهانه بنمایند، دو مأموریت سری هم داشته اند یکی  
 آنکه هر قسم امکان پذیر باشد تدارک استقراضی از  
 خارجه بنمایند، تا در وقت ضرورت ازین راه معطلی  
 پیش نیاشد، دوزش را همچو چیده اند که باسم  
 اصلاحات ضروری خواه بخواید مجلس را قبول استقراض  
 از خارجه لا علاج نمایند این نکته را هم یاد داشت  
 نمایند تا وقت وقتش که باز بهم برسیم

دوم خواهانیدن بیرونی مشروطه ایران، و ظاهر  
 داشتن بر این که ایران دولت قانونی است، از روزیکه

امین الساطان آمدہ آنچه نموده خارج از اصول مشروطیت بودہ، و تمام حرکاتش مبنی بر دولت قانونی میباشد، خوب است وکلای شوری درین نکتہ نیز باریک شدہ تا خودشان ملتفت شوند

لطف سخن و حسن منطق را ملاحظہ نمایند، امین الساطان با چہ حلی از ایران خارج شد، و با چہ وضع بخانہ کعبہ رفت، و از روی قطع و یقین مرکز تصور عودت خود را با آن قنای عالیہ نجف ایران نمی نمود، تا چہ رسد کہ دوبارہ بمقامی نائل آید کہ متدرجاً استقراض دواتی از خارجه بشود، کہ درخانہ کعبہ بر ترک آن قسم یاد نماید، این قدر مجلسیان را مرعوب ساخته کہ با این منطق صحیح مستبدانہ سخن میگویند در مجلس شورای ملی واحدی جواب باو نمی دهند هواداران استبداد کہ دست نشاندہ های امین الساطان اند با کمال جد و جهد در بدنام نمودن وزیر مالیه سعی اند، عقیدہ شان این است کہ اهل طهران مردمان تربیت شدہ میباشند، دانشمندی مثل ناصر الملک را ضرورت ندارند، این وجود دانشمند باید در کردستان اکراد را تربیت نماید

شاهزادہ فرما فرما وزیر عدلیہ ہم کہ شاهزادہ بزرگی است و ہمہ قسم زیر بار نمی رود زمزمہ است کہ چون در حکومت کرمان و بلوچستان گناہ بسیار کردہ بکنارہ آن چندی مجدد باید بعقبات عالیات بروند نایب السلطنہ وزیر جنگ را ہم نمیتوان بہر امر تکلیف نمود، ایشان نیز خواه بخواد در امریہ بماند ضروری ندارد، چند نفر بزرگان دیگر را ہم همین قسم میتوان برت و بلا کرد، آنوقت دربار دولت عبارت از یارک خودشان خواهد شد، مجلس ہم کہ بقول آنها مجلس خودشان است، ایران باین مختصری هشت وزیر درکار ندارد یک شاه و یک وزیر بلکہ شاه ہم نمیخواهد یک وزیر اورا کافی است، عنقریب کہ پردہ بالا رفت معلوم خواهد شد کہ ما چہ عرض میکنیم

قانون اساسی در مجلس عالی مجلس ملی شروع فرات شد، چند مسئلہ ما بہ الاختلاف در او گنجانندہ اند کہ ہر یک از آن برای خرابی کار بسیار است، امیدواریم بہ توجہ امام عصر (عج) ما بہ اختلاف واقع نشود، و این منزل برخطر را ہمہ مات و دوات لی نمایند، این را ہم بدانید کہ حجج اسلامیه یعنی دوات بید بزرگوار با مات ہمراہ است فقط توجہ ہائیکہ امین الساطان اسباب اختلاف فرامہ آورده اند عقائد و مقاصد امین الساطان کم کم دارم بی بردہ می شود، گمان این است کہ بسیار زود یک انقلابی پیش

آمدہ مجلس بہ تبدیل و تغییر حیثیت وزراء ناچار گردد چون امین الساطان علناً حامی آصف الدولہ گردید، امر او ہم سرسری گرفته شد، و ہیاموی او نیز خوابید، ولی خیلی خرج کرد مقصود این است حضرت اشرف با ہر کس باشد ہمہ چیز با اوست، ارفع الدولہ ہم بی آید ولی آورده است کہ امین الساطان بر ہمدستان خود مرکز نمیگذارد جرم ثابت شود

افواہات بسیار است ولی شدہ ہمہ را بختونم عرض کنم، دربار مگو، مجسمہ عوش بگو، ہمہ در فکر شکاراند، و شکاری کہ نتوان تمام کامل از او برد جز یک استقراض هنگفت کہ گویا تہشہ اش کشیدہ شدہ بنظر نمی رسد این ایام مصارف ساطنق موضوع بحث وزیر تقبیح است چون این مسئلہ راجع بذات اقدس شاہانہ میباشد امیدواریم در کمال سہولت فیصل یابد، مشروط برای کہ درباریان بگذارند

دروزر فایض عدلیہ و طالبہ و داخلہ خیلی موضوع بحث است، سایر وزرا گویا هیچ کار ندارند، هیچ آثار یہودی و حرکتی از آنها مشہود نیست تا بعد چہ شود نمیدانم

### تلکرافات

(فرہ جادی الثانیہ - ۱۲ جولائی)

§ (مستر روریولت) رئیس جمهوری دولت اتانونی امیر البحر (یا عاموتو) و دیگر افسران بحری ژاپون را در خلیج (او-چر) بضيافت خواستہ (مستر مسکن) ناظر خارجه دولت مشارالہا بیز در این مہمانی شرکت داشت § تلکرافی از (نیویارک) رسیدہ کہ امیر البحر (یا عاموتو) در ضمن نطق خود اظهار داشته کہ اساس اتحاد دولتین امریکا و ژاپون را از اشاعات و انتشارات بی معنی ممکن نیست شکتی برسد - دولت امریکا را نیز مناسب است گوش بر این افواہات ندهد § عہد نامہ یونان و رومانیای حتمی الوقوع است مناقشات غیر معمولی جابین رفع شدہ است

§ جہازات جنگی ژاپون (تہو کو با و جتیوس) در (پورتسموتہ) رسیدہ اند

(۲ جادی الثانیہ - ۱۲ جولائی)

§ از مقام (رند) بتازگی خبر موحش رسیدہ کہ در (بوکترگ) مسافر خانہ را با (دینامت) متلاشی نمودہ اند - ۳ نفر ہلاک و بسیاری مجروح شدند § مجلس شورای ملی فرانسہ مسودہ قانون شراب فروشی را کہ تذکرہ آن ۲۲ جون شدہ بود امضا نمودہ و سپس مجلس تعطیل نمود

اعلیحضرت (ادورد ہفتم) پادشاہ انگلستان